

ORIGINAL ARTICLE

نگاهی گذرا بر تاریخچهی تأسیس دارالمجانین در تمدن اسلامی تا آغاز قرن دهم هجری قمری

A Glance at the Establishment of Asylum (Dar-al Majanin) in Islamic Civilization, 16 A.D.

Mahboobeh Farkhondehzadeh¹

1- Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Correspondence: Mahboobeh Farkhondehzadeh; Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; farkhondehzadeh@um.ac.ir

محبوبه فرخندهزاده^۱

۱- استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ایران

نویسنده مسئول: محبوبه فرخندهزاده، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ایران
farkhondehzadeh@um.ac.ir

Abstract

In traditional medicine, physicians believe in the spirit and soul as well as their effects on the health of the body; therefore, an important part of the medical texts is devoted to introducing the causes and treatments of mental illnesses and their disorders. The treatment method of mental patients is different depending on the type and severity of the disease. Prescribing suitable medicine, advice to exercise, proper nutrition, being away from loneliness and sadness were among therapeutic methods. Based on the severity of the disease, the patient sometimes needed special care and then was taken care of by the doctor's diagnosis at a therapeutic center. The establishment of asylum is one of the significant and outstanding features in the Islamic civilization which has the same history of building hospitals. In this article, the history of building psychiatric hospitals is reviewed through a descriptive-analytical method resorting to authentic historical documents and references.

Key words: Psychosis, Dar-al Majanin, Islamic Civilization

Received: 23 May 2017; Accepted: 13 Sep 2017; Online published: 20 Nov 2017

Research on History of Medicine/ 2017 Nov; 6(4): 237-246.



خلاصه مقاله

در طب سنتی، پزشکان به روح و روان و تأثیر آن بر سلامتی جسم اعتقاد داشتند. از این رو بخش مهمی از متون پزشکی به معرفی، علت و درمان بیماری‌های روحی و اختلالات آن اختصاص داده شده است. روش درمان بیماران روحی با توجه به نوع و شدت بیماری تفاوت داشت. تجویز دارو، توصیه به ورزش، تغذیهی مناسب، دوری از تنهایی و غم و اندوه از جمله روشهای درمانگری به شمار می‌رفت. در مواردی بیماری در مرحله‌ای بود که به تشخیص پزشک باید بیمار در مراکز درمانی مورد مراقبت و نگهداری قرار می‌گرفت. تأسیس دارالمجانین یکی از جلوه‌های بارز و برجسته در تمدن اسلامی است که پیشینه‌ای به درازای ساخت بیمارستان دارد. در نوشتار پیش‌رو تلاش می‌شود به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی با تکیه بر اسناد و منابع معتبر تاریخی تاریخچه‌ی بنای آسایشگاه‌های روانی مورد بازکاوی و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بیماری‌های روحی، دارالمجانین، تمدن اسلامی

مقدمه

در پزشکی نوین از دانش روان‌پزشکی به عنوان رشته‌ای مستقل در حوزه‌ی پزشکی یاد می‌شود. اما در گذشته‌ی تاریخ پزشکی، پزشکان، درمان و مراقبت از بیماران روحی و روانی را بر عهده داشتند. واکاوی نسخ و متون تولیدی پزشکان مسلمان نیز نشانگر همین نکته است. تا جایی که پزشکان از عوامل ضروری که حیات انسان به آن وابسته بود، با عنوان «سته ضروریه» یاد کرده‌اند. در مجموعه‌ی این عوامل حالات روحی و روانی که اعراض نفسانی نامیده می‌شد، نقش مهمی در حفظ و ارتقای سلامتی بر عهده داشت. پزشکان به تقابل جسم و روان و تأثیر آن دو بر یکدیگر و نیز اثربخشی روان بر عملکرد اندامها اعتقاد داشتند. از این رو بخش مهمی از متون پزشکی به مباحث روان‌پزشکی و بهداشت آن اختصاص دارد. درمان و مراقبت از بیماران روحی نیز مانند سایر بیماری‌ها با توجه به شرایط بیمار، نوع و شدت بیماری انجام می‌شد. چنان که بیماری در مرحله‌ای بود که نیاز به درمان‌های ویژه داشت، به تشخیص پزشک، بیماران روحی در بیمارستان‌ها پذیرش می‌شدند. در تمام مراکز درمانی، بخش‌های ویژه‌ای برای سرپرستی و نگهداری بیماران وجود داشت. به تدریج با تکامل دانش پزشکی، مراکز ای ایجاد شد که هدف از ساخت آن‌ها، نگهداری و مداوای بیماران روانی مزمن بود. به گواهی تاریخ این بیمارستان‌ها، دارالمجانین نامیده می‌شدند.¹ در این نوشتار تلاش می‌شود بر پایه‌ی متون مکتوب، به تاریخچه‌ی بنای آسایشگاه‌های روانی در ادوار تاریخی تمدن اسلامی تا آغاز سده‌ی دهم هجری قمری اشاره شود. این پژوهش بیانگر تکامل علم پزشکی است و نشان از حفظ آرامش بیمار و ایجاد شرایط مناسب برای بهبود وضعیت جسمی و روحی بیماران دارد.

روش پژوهش

نوشتار پیش‌رو، مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی است که با تکیه بر متون پزشکی و بازخوانی منابع متقدم تاریخی درصدد است، نخستین مراکز و آسایشگاه‌های درمانی بیماران روحی و روانی را مورد شناسایی قرار دهد و ضمن بازنمایی فرایند تاریخی تکوین و تکامل تیمارستان‌ها، به روش‌های درمانی آن مراکز نیز اشاره گردد. در این مطالعه به جهت نظم و انسجام داده‌ها، معیار نقل گزارش‌های تاریخی، منطقه و محدوده‌ی جغرافیایی است. از این رو مناطق مهم قلمرو اسلامی مانند شام، عراق، ایران و مصر که در دوره‌ای از ادوار تاریخی خود، شاهد تشکیل حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل بوده‌اند، در اولویت تحقیق قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر چون زمان جزء لاینفک تحقیقات تاریخی است، مطالعه و تحقیق تحولات درمانی مناطق یاد شده، در ده سده‌ی نخست هجری صورت گرفته است.



انواع بیماری‌های روحی

تشریح مغز و معرفی انواع بیماری‌های سر یکی از موضوعات مهم متون پزشکی است که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن به درمان و معالجه‌ی مشکلات روحی و اختلالات روانی اختصاص یافته است.

در طب سنتی، از بیماری‌های اعصاب و روان به عنوان مالیخولیا یا امراض سوداوی یاد شده که عنوان عمومی برای انواع بیماری‌های روحی بوده است.²⁻⁵ گرچه پزشکان مسلمان انواع بیماری‌های اعصاب و روان را از هم تفکیک کرده و با توجه به منشأ بیماری، طول بیماری و شدت آن اسامی خاصی برای اختلالات روحی در نظر گرفته‌اند؛ با این حال تعاریف ارائه شده چندان مشخص نیست و حد و مرزی ندارد.^{6,7} تحقیقات و بررسی‌های انجام شده حکایت از آن دارد که پزشکان دردانش روان‌پزشکی نیز تخصص داشته و به سبب اهمیت موضوع، بخشی مهم و مبسوط از نسخ و متون تالیفی خود را به این مبحث اختصاص داده‌اند. ابن‌رین طبری در اثرش فردوس‌الحکمه که به عنوان کهن‌ترین متن پزشکی در تمدن اسلامی به شمار می‌رود، با تشریح مغز و تقسیم‌بندی آن به سه بخش، از انواع بیماری‌های سر و تأثیرش در ایجاد اختلال‌های نفسانی سخن گفته است.⁸ زکریای رازی نیز در تمامی آثار پزشکی‌اش به ناراحتی‌های روانی و اختلالات روحی مانند مالیخولیا پرداخته است.⁹⁻¹¹ مجوسی اهوازی در بخش نخست کامل‌الصناعت از آشفتگی‌های روانی و تأثیر آن بر سلامت جسم یاد می‌کند¹² و ابن‌سینا هم دیدگاه و نظرات خود درباره‌ی علایم و درمان اختلالات ذهنی و روانی را ذیل مقاله‌ی چهارم از فن اول، آورده است.¹³ جرجانی پزشک فارسی‌نویس ایرانی جنون را نوعی بیماری دانسته و معرفی و حالات بیماران را در تمامی آثارش یاد کرده است.^{14,15}

گرچه نظرات و آرای پزشکان درباره‌ی روان‌درمانی و بیماری‌های روحی در متون عمومی پزشکی نقل شده است؛ با این حال تک‌نگاری‌هایی در دست است که به طور مستقل درباره‌ی مالیخولیا و درمان آن نگاشته شده است. در فهرست آثار یوحنا بن ماسویه (م: ۲۴۳ق)، حنین بن اسحاق (۱۹۴-۲۶۰ق)، اسحاق بن عمران (م: ۲۷۹ق) و احمد بن ابی‌اشعث (م: ۳۶۰ق) از دست‌نوشته‌هایی نام برده شده که موضوع و محتوای آنها بیماری سوداوی و مالیخولیا بوده است.^{16,17} در میان آثار یاد شده تنها اثر مقاله فی‌المالیخولیا نوشته‌ی اسحاق بن عمران¹⁸ برجای مانده است و متون دیگر به سبب نقل‌های نویسندگان بعدی، شناخته شده‌اند. از این دست‌نوشته‌ی مستقل در حوزه‌ی روان‌درمانی، می‌توان به عنوان نخستین سند بازتولیدی در حوزه‌ی روان‌پزشکی در تمدن اسلامی یاد کرد. این رساله تک‌نگاری است که نویسنده به جهت شناسایی و معرفی بیماری مالیخولیا، نوعی از انواع اختلالات روانی، به رشته‌ی تحریر درآورده است. اسامی، مراحل بیماری و انواع آن، ریشه‌های بروز بیماری، نشانه‌های خاص هر نوع، علل و عوارض و روش‌های درمانی از اهمّ موضوعاتی است که در این اثر از آن سخن گفته شده است.¹⁹ به سبب حساسیت و شرایط خاص بیماری و نیز خطرات و تهدیدهایی که در مواردی از سوی این بیماران برای خود شخص و یا جامعه وجود داشت، بیمار در مراکز درمانی، تحت مراقبت قرار می‌گرفت. از نکات شایان توجه آن است که بستری و ترخیص بیماران با تجویز پزشک بود، گرچه گزارش‌هایی مبنی بر صدور حکم از طرف قاضی درباره‌ی زندانی و دربند کردن بیماران روحی نیز در دست است.^{20,21}

سابقه‌ی تاریخی مراکز روان‌پزشکی

گرچه اصطلاح دارالمجانین نشان از وجود اماکن و مراکزی دارد که برای درمان این نوع بیماری‌ها اختصاص داده شده است؛ اما رد پای مراکز درمانی و نگهداری از بیماران اعصاب و روان را می‌توان در بیمارستان‌ها یافت. اسناد و شواهد تاریخی بیانگر آن است که بخش‌هایی از بیمارستان‌ها برای مداوای این

- 2- Razes, 2001: 25.
- 3- Avicenna, 2003, Vol. 2: 264.
- 4- Majosi, 2008, Vol. 2: 73.
- 5- Kashkari, 2007: 229.
- 6- Latifi, 2014: 275-280.
- 7- Yousefpour, 2016: 9-13.
- 8- Ibn Raban Tabari, 1928: 105.
- 9- Razes, 2001: 56.
- 10- Razes, 2008: 138, 268.
- 11- Razes, 1998: 43.
- 12- Majosi, 2008, Vol. 3: 414.
- 13- Avicenna, 2003, Vol. 3: 4, 120.
- 14- Gorgani, 2012: 79.
- 15- Gorgani, 1966: 275.
- 16- Sezgin, 2000: 308.
- 17- Dalas, 2016: 132.
- 18- اسحاق بن عمران (م ۲۷۹ق) از پزشکان بغداد که به دعوت امیر اعلی‌ی (اغلبنیان، سلسله امیران آفریقیه، حکم: ۲۹۶-۱۸۴ق) به آفریقیه سفر کرد. نک: Sezgin, 2000: 359.
- 19- Ibn Emran, 2016: 5.
- 20- Nezam Al-Molk, 1976: 104.
- 21- Elgood, 1977: 207.



نوع بیماران در نظر گرفته می‌شد. با تکوین، تکامل و تحول فرهنگ و تمدن اسلامی به تدریج مراکز درمانی برای درمان و مراقبت از انواع بیماری‌ها تأسیس شد. گزارش توصیفی مورخان از بخش‌های مختلف بیمارستان‌های بزرگ نشانگر آن است که در تمامی این مراکز، قسمت‌های مجزا مانند چشم‌پزشکی، جراحی، درمان‌های سرپایی، تالارهای جداگانه برای درمان زنان و مردان یا بیماران روحی در نظر گرفته می‌شد.²² شیوه‌ی معالجه بیماران روانی نیز با توجه به نوع و به ویژه مرحله‌ی بیماری متفاوت بود. علاوه بر روش‌های معمول درمانی مانند تجویز دارو، ماساژ بدن با روغن، تغذیه‌ی مناسب، داغ کردن، پاکسازی معده،²³ پزشکان به بیمار، شاد بودن، استفاده از هوای مطلوب، ورزش، مسافرت، دوری از تنهایی را نیز توصیه می‌کردند.²⁴⁻²⁶ اگر بیماری در مرحله‌ی حاد بود و بیم خودآزاری و یا دیگر آزاری وجود داشت، به دستور پزشک، بیمار به بند کشیده می‌شد. ابن سینا و جرجانی از جمله پزشکانی بودند که حبس بیمار را توصیه کرده‌اند.²⁷ به گفته‌ی ابن سینا: «در بیماری مانیا و داءالکلب، دست و پای بیمار را ببند و آن را محکم کن تا بخار به سوی پایین کشیده شود و اگر بیم آن بود که بیمار خود را به هلاکت اندازد باید طناب پیچ شود و [بیمار را] در قفس و در جای بلندی قرار دهند.²⁸ البته حبس، چنانکه پیش‌تر اشاره شد، درباره‌ی بیمارانی بود که بیم آن می‌رفت به خود یا اشخاص آسیب برسانند؛ چون گزارش‌هایی در دست است که برخی از دیوانگان در جامعه آزاد بودند.²⁹

تاریخچه‌ی آسایش‌گاه روان‌پزشکی ۱- شام

شهر دمشق در دوره‌ی حکومت امویان (۶۵-۱۳۲ق) به عنوان مرکز خلافت انتخاب شد. در این دوران شاهد نخستین تکاپوی برخی از خلفای اموی در ساخت مراکز علمی و درمانی هستیم. از بیمارستان دمشق که به سال ۸۸ق به دستور ولید بن عبدالملک (حک: ۸۵-۹۶) ساخته شد، به عنوان اولین بیمارستان مستقر و مجهز در اسلام یاد می‌شود. به گزارش مورخان در این بیمارستان و مرکز، بیماران، جدامیان و نابینایان مداوا و درمان می‌شدند و برای آن‌ها مقرری تعیین شده بود.³⁰ گرچه روایت تاریخی معتبری مبنی بر نگهداری مجانی در این مرکز در دست نیست؛ اما با توجه به توصیفی که برای بیمارستان‌های بزرگ آمده‌است و با توجه به مراقبت از بیماران خاص در این مرکز، چندان دور از ذهن نیست که در بیمارستان دمشق مکانی برای مداوای بیماران روحی در نظر گرفته شده باشد. از این رو برخی از معاصرین، دارالشفای ولید را دارالمجانین و آسایشگاهی برای درمان بیماران صعب‌العلاج، مجانین و مبتلایان به بیماری مسری توصیف کرده‌اند.³¹ سرزمین شام بار دیگر به دوران حکومت زنگیان، شاهد تکاپوی علمی و فرهنگی است. زمانی که سلطان نورالدین محمود زنگی³² به سال ۵۴۹ق بیمارستان شهر دمشق را بنیاد گذاشت،³³ دستور داد که تنها نیازمندان و بینوایان در آن مرکز، درمان شوند. این مرکز شامل بخش‌های متنوع از جمله چشم‌پزشکی، شکسته‌بندی، داروخانه و مرکز امراض باطنی (روحی) بود.³⁴ ابن جبیر در شرح سفرش به شام از این بیمارستان نام برده‌است. وی در ذکر بنا و شرح امکانات این بیمارستان به نگهداری و درمان مجانین در این مرکز اشاره کرده و نوشته است: «بیماران روحی در این مرکز با زنجیر بسته می‌شدند.³⁵»

علاوه بر سلاطین، گاه امیران ولایات، مراکز درمانی می‌ساختند. در شهر حلب به فرمان امیر سیف‌الدین ارغون کاملی³⁶ (م ۷۵۸ق) بیمارستانی ساخته شد. در توصیف این مرکز درمانی آمده‌است: «در این بیمارستان حجره‌ای کوچک وجود دارد که مجانین در آن نگهداری و سرپرستی می‌شوند. در اطراف صحن بیرونی، حوض و انواع گل‌ها برای تماشای این بیماران کاشته‌اند. از روش‌های درمانی که برای شاد شدن بیماران اختلال روحی استفاده می‌شد، حضور آوازخوانان در این مرکز بود.³⁷» فعالیت این بیمارستان تا سال دهم هجری ادامه داشت.

- 22- Elgood, 1977: 206.
23-Gorgani, 2012: 83.
24- Gorgani, 2012: 70.
25- Avicenna, 2003, Vol. 2: 276- 281.
26- Razes, 2001: 121.
27- Gorgani, 2012: 84.
28- Avicenna, 2003, Vol. 2: 270-271.
29- Ounsor Al-Maali, 1963: 37.
30- Yaghobi, 1960: 290.
31- Kavyani Pouya, 2013: 113.
32- دولت آل‌زنگی شام (حک: ۵۷۷-۵۴۱ق): سلسله‌ای ترک‌نژاد از غلامان سلجوقی. نیای این سلسله آق‌سنجر حاجب غلام آل‌برسلان سلجوقی بود. مؤسس این سلسله عمادالدین زنگی بود که پس از وی جانشینانش در شام، موصل، جزیره و سنجار دولت‌هایی تشکیل دادند. در شام نورالدین محمود زنگی (حک: ۵۶۹-۵۴۱ق) موفق شد دولت آل‌زنگی یا اتابکان شام را تأسیس کند. اتابکان شام با مرگ الملک صالح (حک: ۵۷۷-۵۶۹ق) فرزند نورالدین محمود خاتمه یافت.
33- Ibn Asir, 1979: 404.
34- Sekhmini, 1997: 18.
35- Ibn Jobair, 1964: 256.
36- امیر سیف‌الدین ارغون کاملی نایب الحکومه دمشق و حلب از سوی سلطان مصر ملک الناصر حسن بحری (حک: ۷۵۲-۷۴۸ق) بود.
37- Esa Bak, 1992: 150-151.



۲- عراق

شهر بغداد حدود ۵ سده در دوره خلافت عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ق) مرکز خلافت بود. گرچه از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی که به عصر اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲ ق) در بغداد ساخته شده بود، اثری برجای نمانده است؛ اما مدارک تاریخی حاکی از آن است که خلفای این دودمان سعی در بنای مراکز درمانی داشته‌اند.³⁸ با تأسیس شهر بغداد که توسط منصور (حک: ۱۳۶-۱۵۸) دومین خلیفه عباسی ساخته شد، بیمارستانی در قسمت جنوب غربی بنا شد که با نام «بیمارستان قدیم» تا یک سده، فعالیت پزشکی و درمانی در آن انجام می‌گرفت. گرچه تشریح تاریخی مبسوط در خصوص این مرکز در دست نیست؛ اما با توجه به حضور و فعالیت پزشکان مرکز جندی شاپور، می‌توان درباره‌ی مداوای بیماران روحی در این بیمارستان اظهار نظر کرد. علاوه بر این در توصیف بنای آن، از محلی به نام «ضربات» یاد شده که محل سکونت رامشگران بوده است³⁹ که میتوان گمانه زنی‌هایی در خصوص نگهداری بیماران در آن مرکز داشت. بدین جهت زیدان معتقد است، می‌توان احتمال داد منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸) و جانشینانش در بغداد بیمارستانی بنا کرده باشند.⁴⁰ از این دوره گزارشی به نقل از محمد بن یزید مبرد، ادیب دوره متوکل (حک: ۲۳۲-۲۴۷)، در دست است که به درمان و نگهداری مجانین در دیرحرقل، ناحیه‌ی نعمان (میان بغداد و واسط) اشاره می‌کند.⁴¹ البته شواهد و قرائن نشان از فعالیت آن ناحیه، در روزهای آغازین سده‌ی سوم هجری دارد. چنان که در تاریخ طبری روایتی مبنی بر نگهداری مجانین در این مکان به دوران خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ق) موجود است.⁴² با توجه به اطلاعاتی که مورخان درباره‌ی این بیمارستان به دست داده‌اند، این مکان را می‌توان قدیمی‌ترین آسایشگاه برای نگهداری بیماران روانی دانست. علاوه بر این شواهد تاریخی خبر از درمان مجانین در بیمارستان صاعدی،⁴³ بدر⁴⁴ و بیمارستان سیده،⁴⁵ مادر مقتدر عباسی (۲۹۵-۳۲۰ ق) داده‌اند. چنان که کشکری⁴⁶ در دست‌نوشته‌ی خود کناش فی الطب به طبابت و تجربیاتش درباره‌ی درمان بیماران روحی و روانی در بیمارستان‌های یاد شده، اشاره کرده است.⁴⁷ از فعالیت دارالمجانین بغداد گرچه سندی در دست نیست؛ اما بنا به گزارش عنصرالمعالی تا آغاز سده‌ی چهارم هجری همچنان فعالیت داشته‌است. به نقل از وی، چون منصور حلاج به سال ۳۰۹ ق به دار آویخته شد، ابوبکر دلف شبلی (۲۴۷-۳۳۴ ق) که با او دوستی فراوان داشت، دچار پریشانی افکار شد و او را به دارالمجانین بغداد منتقل کردند.⁴⁸ بغداد مرکز خلافت به دوره امیران بویه‌ی (حک: ۳۳۴-۴۴۷ ق) شاهد ساخت بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بیمارستان بوده‌است. به گزارش منابع تاریخی، عضدالدوله دیلمی (حک: ۳۳۸-۳۷۲ ق) بیمارستان عضدی بغداد را به سال ۳۷۱ ق تأسیس کرد.⁵⁰ این بیمارستان دارای بخش‌های جداگانه بود. یکی از بزرگترین قسمت‌های آن به معاینات عمومی، تشخیص تب، اسهال، سرماخوردگی و دیوانگی اختصاص داشت.⁵¹ در بیمارستان عضدی بیماران روحی و روانی و دیوانگان نگهداری می‌شدند. در این مرکز بیمارانی که امکان داشت به خود و دیگران آسیب برسانند، زنجیر می‌شدند و در نهایت تحت معالجه و درمان قرار می‌گرفتند. گفتگوی عضدالدوله با یکی از دیوانگان این بیمارستان که برای بازرسی به آنجا رفته بود، حکایت از تخصیص بخشی از این مرکز برای نگهداری بیماران روحی در بیمارستان و شیوه‌ی مراقبت از آنها دارد.⁵² گرچه امروزه از این مرکز اثری برجای نمانده است، اما بنیامین طلیطی (م ۵۶۸ ق) گزارشی درباره‌ی آن داده است که نشان از فعالیت بیمارستان بغداد تا پیش از ویرانی حمله‌ی مغول دارد. وی از بیمارستان عضدی بغداد و آسایشگاهی که به بیماران اعصاب و روان اختصاص داشت، با شگفتی یاد کرده است.⁵³ به گزارش طلیطی در این مرکز از بیمارانی که به دلیل گرمای هوای تابستان دچار اختلال روحی می‌شدند، نگهداری می‌شد. بیماران تا فصل زمستان در آنجا تحت مراقبت قرار می‌گرفتند و گاهی به بند کشیده می‌شدند. از خانه‌ی خلیفه به آنها غذا می‌دادند و هنگام مرخصی پولی به آنها پرداخت می‌شد.⁵⁴ به جز

38- Ibn abi Usaibea, 2001: 108.

39- Elgood, 1973: 114.

40- Zeidan, 1990: 608.

41- Masoudi, 1984: 89.

42- Tabari, 1967: 660.

43- بیمارستان صاعدی، درباره این بیمارستان گزارش کاملی در دست نیست. برپایه‌ی نوشته متز بیمارستان صاعدی از قدیمی‌ترین و نخستین بیمارستانهای بغداد بوده‌است که به دوره خلافت معتضد عباسی (۲۸۹-۲۷۹ ق) مخارج بیمارستان از جمله حقوق پزشکان، مراقبان مجانین، چشم‌پزشکان و... به بیش از ۴۵۰ دینار می‌رسیده است.

(Metz, 1983: 117.)

44- ابوالنجم بدر (م. ۳۱۱ ق) غلام معتضد خلیفه عباسی (حک: ۲۸۹-۲۷۹ ق). به نظر می‌رسد این بیمارستان به دستور وی در بغداد تأسیس شد:

(Ibn abi Usaibea, 2001: 210.)

45- سیده مادر مقتدر خلیفه عباسی که نام اصلی وی شَعْب بود. این بیمارستان به سال ۳۰۶ ق به دستور وی توسط پزشک ابوسعید سنان بن ثابت حرّانی در بغداد افتتاح شد. (Ghefti, N. D.: 194-195.)

46- یعقوب کشکری یا ابوالحسن کشکریه از پزشکان سیف‌الدوله حمدانی (م: ۳۵۶ ق) بود که در زمان ساخت بیمارستان عضدی بغداد (۳۷۲ ق) به فرمان عضدالدوله به بغداد آمد و در این مرکز مشغول طبابت شد. کناش فی الطب از آثار اوست که خوشبختانه باقی مانده‌است (Sezgin, 2000: 436.)

47- Kashkari, 2007: 230.

48- Ounsor Al-Maali, 1963: 291.

49- Ibn Kholakan, 1968-1972: 273.

50- Ghefti, N. D.: 438.

51- Elgood, 1977: 186, 206.

52- Moustoufi Ghazvini, 1983: 415-416.

53- Douri, 2008: 35.

54- Dalas, 2016: 201.



بیمارستان عضدی بغداد در سایر بیمارستان‌های این ناحیه نیز مجانین تحت درمان و مراقبت بودند. چنان که پیش‌تر به مداوای بیماران روانی در بیمارستان‌های صاعد و بدر مقتدری (حک: ۳۸۷-۴۲۰ق) اشاره شد.⁵⁵ سرزمین بین‌النهرین و نواحی شرقی آن از سده‌ی اول هجری شاهد برپایی دارالمجانین بود که مداوای بیماران در آنجا انجام می‌شد. علاوه بر بغداد، می‌توان به بنای دارالمجانین در موصل و بصره نیز اشاره کرد.

۳- مصر

نخستین سند مکتوب درباره‌ی رسیدگی و مراقبت بیماران روحی و مجانین در مراکز درمانی مربوط به گزارشی است که از بیمارستان احمد بن طولون⁵⁶ (ساخته شده به سال ۲۵۹ق) به دست رسیده است.⁵⁷ این بیمارستان به سال ۲۶۱ق بازگشایی شد و پیش از آن در مصر بیمارستانی وجود نداشت. بیمارستان احمد بن طولون در فسطاط بهترین نمونه مراکزی به شمار می‌رفت که محل درمان بیماری‌های جسمی و روحی بوده است. از این رو این بیمارستان در تاریخ روان‌پزشکی اهمیت بسیار دارد. در وقف‌نامه‌ی این بیمارستان ذکر شده بود که این بیمارستان مخصوص معالجه‌ی بیماران عمومی و مجانین باشد. ابن طولون املاک زیادی وقف آن کرده و خود به شخصه در روزهای جمعه برای رسیدگی به اموال و ملاقات بیماران، معلولین و دیوانگان محبوس به بیمارستان می‌رفت. در یکی از این بازدیدها بود که حادثه‌ای روی داد و بعد از آن امیر دیگر برای بازرسی به بیمارستان رفت. در گزارش حادثه آمده است، در بخش مجانین، بیماری از امیر انار درخواست کرد و بعد از دریافت، آن را به سوی وی پرتاب کرد. بعد از این واقعه به دستور ابن طولون بیماران این بخش، تحت نگرهبانی و مراقبت ویژه قرار گرفتند.⁵⁸ از مصر گزارشی دیگر درباره‌ی بیمارستان صلاح‌الدین ایوبی⁵⁹ نیز در دست است. این مرکز را به سال ۵۸۷ق صلاح‌الدین ایوبی، در شهر قاهره ساخت.⁶⁰ ابن جبیر، سیاح و جهانگرد مسلمان اندلسی، در گزارش خود آورده است: «از جمله اماکنی که در این شهر دیدم بیمارستان قاهره است» که آن را از مفاخر و اقدامات مهم سلطان صلاح‌الدین به شمار آورده است. وی در توضیح بخش‌های مختلف این بیمارستان اشاره به مکانی دارد که اختصاص به مجانین داشته است. به نوشته‌ی ابن جبیر: «در بیمارستان مقصوره‌هایی وجود دارد که تخت‌هایی برای استفاده‌ی بیماران تعبیه شده است. روبروی آن بخش، مکانی به درمان زنان اختصاص دارد. بخشی وسیع در میان این دو مکان قرار گرفته که در آن اتاق‌هایی با پنجره‌های آهنین ساخته شده که در آن دیوانگان نگهداری می‌شدند. این بیماران پرستاران و نگرهبانانی داشتند که از آن‌ها مراقبت می‌کردند و نیازهایشان را برطرف می‌کردند.»⁶¹

در دوران مماليك،⁶² ملک منصور سیف‌الدین قلاوون (۶۷۸-۶۸۹ق) مرکز درمانی (بیمارستان) منصوری را به سال ۶۸۴ق تأسیس کرد.⁶³ در این مرکز مجانین و بیماری‌های روحی درمان می‌شدند. در این بیمارستان علاوه بر داروخانه، آزمایشگاه، کتابخانه، مسجد و حمام، بخش‌هایی جداگانه‌ای با توجه به نوع بیماری نیز در نظر گرفته شده بود. یکی از این قسمت‌ها اختصاص به مجانین داشت. در دوره‌ی حکومت ملک ناصر محمد مملوکی⁶⁴ به سال ۷۲۶ق امیر جمال‌الدین آقوش، ناظر اوقاف بیمارستان شد و به فرمان وی آن را بازسازی و نوسازی کرد.⁶⁵ در دوره‌ی نظارت آقوش بر این مرکز به بیماران رسیدگی بسیار می‌شد. چنان که امیر، شب‌هنگام برای سرکشی اوضاع، به بیمارستان می‌رفت. سپس به بیمارستان دیوانگان می‌رفت و حال آنها را جویا می‌شد.⁶⁶ شرح بیمارستان قلاوون را می‌توان همچنان در گزارش هیئت اعزامی ناپلئون به مصر در فاصله‌ی سال‌های ۱۷۹۸-۱۸۰۱م مشاهده کرد. به روایت تصاویر و نقشه‌های مربوط به این هیئت، در قاهره، مراکز و بیمارستان‌هایی وجود داشته که ناتوانان و بیماران و افرادی که اختلالات روانی داشتند، درمان می‌شدند. از مجموعه این مراکز تنها

55- Kashkari, 2007: 230.

56- مؤسس دولت طولونی (حک: ۲۹۲-۲۵۴ق). دولت طولونیان از دولتهای کوچکی بود که به دوران ضعف و تجزیه‌ی قدرت در خلافت عباسی مصر شکل گرفت.

57- Kendi, 2000: 243.

58- Meghrizi, 1997: 267.

59- مؤسس دولت ایوبی (حک: ۶۴۸-۵۶۷ق): دولتی کردنژاد که صلاح‌الدین یوسف ایوبی در مصر تشکیل داد.

60- Badlisi, 1998: 68.

61- Ibn Jobair, 1964: 26.

62- مماليك بحری (حک: ۷۹۲-۶۴۷ق): مماليك سلسله فرماندهان ترک که در شام و مصر حکومت داشتند. مماليك بردگانی ترک و چرکس بودند که به عنوان غلامان نظامی در دوره ملک صالح نجم‌الدین ایوبی (۶۴۸ق) به حکومت راه یافتند.

63- Meghrizi, 1997: 268-269.

64- الناصر ناصرالدین محمد مملوکی فرزند سیف‌الدین منصور قلاوون که در فاصله‌ی سال‌های (۶۹۴-۶۹۲ق)، (۷۰۸-۷۰۸ق) و (۷۲۲-۷۰۹ق) سه مرتبه به حکومت رسید.

65- Meghrizi, 1956: 273.

66- Al-Hovari, N. D.: 135.



بیمارستان قلاوون برجای مانده بود که به مرکز نگهداری مجانین اختصاص یافته است. در ادامه‌ی گزارش هیئت فرانسوی آمده است که پنجره‌های این مکان آهنین و بیماران با زنجیرهایی که بر گردنشان بسته شده بود، مراقبت می‌شدند.^{67,68} بیمارستان قلاوون قاهره را باید نخستین آسایشگاه روان‌پزشکی یا مرکز درمانی برای بیماران روحی دانست. زیرا با توجه به قرائن موجود، این بیمارستان در آغاز تنها به مجانین اختصاص داشت و سپس سایر بیماران برای درمان پذیرش شدند.⁶⁹ از نکات حایز اهمیت در این مرکز قرائت قرآن برای آرامش بیماران بود. علاوه بر آن برای بیماران مبتلا به بی‌خوابی و برای آرامش آن‌ها، موسیقی نواخته می‌شد و قصه‌گوییان برای بیمار، قصه نقل می‌کردند.^{70,71} چنان که در وقف‌نامه‌ی این بیمارستان، هزینه‌های مربوط به خنیاگران نیز ذکر شده است.

۴- ایران و مناطق شرقی

اگرچه از جزئیات روش‌های درمانی بیمارستان‌هایی که در شهرهای ایران ساخته شده بود مانند مراکز درمانی ری، خوارزم، شیراز و...، به طور کامل گزارشی در دست نیست؛ اما از طبابت پزشکانی مانند رازی، ابن‌سینا، اخوینی بخاری و جرجانی که بیشتر عمر خود را در این سرزمین گذرانده‌اند و نیز گزارش مداوای بیماران روحی توسط پزشکان ایرانی، می‌توان دریافت که بخشی از بیمارستان‌های سرزمین ایران به رسیدگی و مداوای بیماران اعصاب و روان اختصاص داده شده بود. مهم‌ترین سند در این زمینه منسوب به اخوینی بخاری نخستین پزشک فارسی‌نویس ایرانی است که به گفته خود به جهت درمان بیماران روانی «بجشک دیوانگان» خطاب می‌شد.⁷² مهم‌ترین دستاورد اخوینی در پزشکی شناسایی و معالجه‌ی بیماری‌های اعصاب و روان بوده است. سبک علمی اخوینی سبب شده که وی در بیماری‌های روان‌پزشکی پیشگام باشد. وی در این زمینه موفقیت‌های چشمگیری داشته است. اخوینی ابواب ۵۷ تا ۷۶ دست‌نوشته‌ی خود را به بیماری اعصاب و اختلالات روانی و ذهنی اختصاص داده است. دقت نظر و احاطه‌ی وی درباره‌ی توصیف و درمان بیماری‌ها و مطالعات روشمند وی سبب شد که وی در دانش روان‌پزشکی به نوآوری‌های علمی و جدیدی برسد.⁷³ در کنار شواهد و قرائن، گزارش‌های صریحی از مراکز درمانی که در سده‌های اخیر در شهرهای ایران مانند یزد و شیراز بنا شده بودند، در دست است. دارالشفای یزد به سال ۶۶۶ق ساخته شد که بخشی از آن برای درمان و مراقبت از بیماران روحی در نظر گرفته شده بود. به دستور بانی آن، هر ساله، اموالی وقف بیماران روحی می‌شد: «جهت مبارکباد این بقعه هر سال به خرج عمله و مجانین کردند».⁷⁴ با بنای ربع رشیدی توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر ایلخانان مغول (حک: ۶۵۴-۷۵۰ق) در شهر تبریز، فعالیت علمی بزرگترین بیمارستان و مرکز آموزشی و پژوهشی شروع شد. بنا به روایت‌های تاریخی، حدود ۵۰ پزشک از تمامی سرزمین ایران و مناطق هم‌جوار مانند مصر و چین در آن بیمارستان خدمات پزشکی داشتند و مداوای تمام بیماران و از جمله بیماری‌های اعصاب و روان انجام می‌شد.⁷⁵

در وصف بیمارستان مظفری شیراز از مداوای «خشم‌زدگان» یاد شده است. علاوه بر این در جوار بیمارستان، بوستانی برای تلطیف روحیه‌ی بیماران ساخته شده بود.⁷⁶ با توجه به شواهد موجود می‌توان گفت که در این مرکز بیماران، اختلالات روانی نیز تحت مراقبت بوده‌اند. شاردن در شرح گزارش خود از شهر اصفهان، به بیمارستان این شهر اشاره کرده است. وی نوشته است: «این بیمارستان هیچ شباهتی به بیمارستان‌های ما ندارد. بنایی است که باغی در اطراف آن است و اطاق‌های کوچک در دو طبقه... در این مرکز هیچ بیماری نبود تنها هفت یا هشت دیوانه که با زنجیر از دست و گردن و پا بسته شده بودند که در میان چهار دیواری بدون اثاثیه و لوازم جایشان داده بودند.» وی در ادامه، وضعیت رسیدگی به بیماران آنجا را بسیار بد توصیف کرده است: «چنانکه از فلاکت می‌مردند».⁷⁷ بنا

- 67- Al-Hovari, N. D.: 138-139.
68- Esa Bak, 1992: 81-82.
69- Esa Bak, 1992: 81.
70- Zarinkoub, 2005: 58.
71- Montazer Al-gaem, 2012: 202.
72- Akhvaini Boukhari, 1965: 246.
73- Kalantari Meibodi, 2014:82.
74- Yazdi, 1964: 112-113.
75- Broushki, 1986: 133.
76- Vasaf, 1993: 94.
77- Sharden, 1983: 56-57.



به توصیفی که وی ارائه کرده، به نظر می‌رسد این مرکز به محل نگهداری مجانبین اختصاص داشته است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشانگر آن است که روان‌درمانی در مکتب پزشکی ایرانی-اسلامی جایگاهی ویژه داشته است. مطالعات پزشکان محدود به شناخت درمانی نبوده است، بلکه آنها با نگرشی عقلی و روش‌شناسی علمی به درمان و معالجه‌ی بیماران اعصاب و روان پرداخته‌اند. از ابوبکر اخوینی بخاری پزشک ایرانی مسلمان می‌توان به عنوان نخستین روان‌پزشک و پیشگام در حوزه‌ی دانش روان‌پزشکی یاد کرد که خدمات وی در اثرش هدایه المتعلمین انعکاس یافته است. دقت نظر، تجربیات بالینی مبتنی بر اصول علمی و سبک پزشکی وی سبب نوآوری‌هایی در درمان بیمارهای ذهنی بود. درمان و شرایط نگهداری از بیماران با توجه به نوع و شدت بیماری تفاوت داشت، گاهی با توجه به صلاح‌دید پزشک، بیمار باید در بیمارستان و مراکز درمانی تحت معالجه قرار می‌گرفت. مراقبت بیماران در محیطی خارج از خانه، نشان از اهمیت حفظ آرامش برای بیماران و به وجود آوردن شرایط مناسب برای روحیه‌ی آنها بوده است. در تمام مناطق در بیمارستان‌های ساخته شده، سالن یا اتاق‌هایی مجزا برای نگهداری این بیماران وجود داشت؛ هر چند شواهدی بر نگهداری بیماران در زندان نیز در دست است. اما با توجه به شواهد موجود، بیمارستان منصوری قاهره را باید نخستین آسایشگاه روان‌پزشکی در تمدن اسلامی یاد کرد که با مراکز امروزی مطابقت داشته است. ساخت این آسایشگاه در منطقه خوش آب و هوا و بنای باغ در مجاورت آن، قرائت قرآن و کاربرد موسیقی از روش‌هایی بود که برای تلطیف روحیه‌ی بیماران و مداوای آنها در این مرکز انجام می‌گرفت.

References

- Akhvainsi Boukhari. [*Hedayat Al- motealemin Fi Al-Teb*]. Mashhad: Dsneshgah Mashhad, 1965. [in Persian]
- Al-Hovari A E. [*Men tarikh Al-Teb Al-Islami*]. Dameshgh: Ein lel-derasat va Al-Bbohous Al-Ensaneh, N. D. [in Arabic]
- Avicenna H. [*Ghanoon*]. Vols. 2 and 3. Beirut: Dar Al-Ehya, 2003. [in Arabic]
- Badlisi S H. [*Sharafname, Tarikh Mofasal Kordestan*]. Tehran: Asatir, 1998. [in Arabic]
- Broushki M M. [*Baressi Ravesh Edari va Amouzashi Rabe Rashidi*]. Mashshad: Astan Quds, 1986. [in Persian]
- Dalas M. [*Tarikh Jonoon dar Jamea Islami*]. Translated by Behzadian Nejad Gh. Tehran: Pajoheshkadeh Tarikh Islam, 2016. [in Persian]
- Douri A. [*Daralkhalafeh Abasian*]. Translated by Paroshani I. Tehran: Nashr Marjaa, 2008. [in Persian]
- Elgood S. [*Tarikh Pezeshki Iran az Iran Bastan ta 1936*]. Translated by Javdani M. Tehran: Eghbal, 1973. [in Persian]
- Elgood S. [*Tarikh Pezeshki Iran va Khalaft sharhgi*]. Translated by Forhgoni B. Tehran: Amirkabir, 1977. [in Persian]
- Esa Bak A. [*Tarikh Bimarestanha Dar Islam*]. Translated by Kasaie N. Tehran: Entesharat Elmi va Farhangi, 1992. [in Persian]



- Ghefti A. [*Tarikh Al-hokama*]. Baghdad: Maktabeh Al- Mosana, N. D. [in Arabic]
- Gorgani A. [*Alaghraz Altebie va Almabahe Alalaieh*]. Tehran: Bonyad Farhang Iran, 1966.[in Persian]
- Gorgani A. [*Zakhire Kharazmshahi*]. Vol. 2. Gom: Moases Ahya-e Teb Tabiei, 2012. [in Persian]
- Ibn abi Usaibea. [*Uion Alanba fi Tabaghat Al-Ateba*]. Researched by Najar A. Vol. 2. Cairo: Alheit Almesrieh, 2001. [in Arabic]
- Ibn Asir A. [*Al-kamel fi Al-Tarikh*]. Vol. 11. Beirut: Daresader, 1979. [in Persian]
- Ibn Emran E. [*Resale Fi Malikholia*]. Researched by Moghadas E. Tehran: Nilobarg, 2016. [in Arabic]
- Ibn Jobair M. [*Rehllle*]. Beirut: Daresader, 1964. [in Arabic]
- Ibn kholakan M. [*Vafayat Alayan va Anbae Alzaman*]. Researched by Abbas A. Vol. 2. Beirut: Daresader, 1968- 1972. [in Arabic]
- Ibn Raban Tabari. [*Ferdows Al-Hekmeh*]. Researched by Sedighi M Z. Berlin: Aftab, 1928. [in Arabic]
- Kalantari Meibodi M, Yarmohammadi H, Daneshfard B, Dalfardi B. Al-Akhawayni, an Influencial Contributor to Medieval Persian Science of Neurology. *Journal of Research on History of Medicine*. 2014;3(2):79-86. [in Persian]
- Kashkari Y. [*Konnash Fi Al Teb*]. Tehran: Oulom Pezeshki Iran, 2007.[in Arabic]
- Kavyani Pouya H. [*Bimarestanha va Marakez Darmani dar Iran*]. Tehran: Amirkabir, 2013. [in Persian]
- Kendi M. [*Volat mesr*]. Researched by Nasar H. Beirut: Daresader, 2000. [in Arabic]
- Latifi A H. [*Barresi Tahlili Seir Tarikhi Namgozari Barresi Tahlili Seir dar Teb Irani*]. *Majaleh Teb Sonati va Iran*. 2014;5(4): 275-280. [in Persian]
- Majosi A. [*Kamel Al Senae Altebeih*]. Vols. 2 and 3. Gom: Jala Aldin, 2008. [in Arabic]
- Masoudi A. [*Moroj Al-zahab va Maaden Aljohar*]. Researched by Abd Al-Hamid M A. Vol. 4. Egypt: Al Soadeh, 1948. [in Arabic]
- Meghrizi A. [*Almavaez vs alaeteber be zekr khotat va Alasar*]. Researched by Almansour Kh. Vol. 4. Beirut: Dar Alkotob Alelmieh, 1997. [in Arabic]
- Meghrizi A. [*Alsolouk lemaerefat Douval Almoulouk*]. Researched by Ziyadeh M M. Vol. 2. Ghahere: Matbae lejanat Al-taelif va Alnashr, 1956. [in Arabic]
- Metz A. [*Tamadoun Islami dar century 10 A.D*]. Translated by



- Zekavati A R. Vol. 2. Tehran: Amir kabir, 1983. [in Persian]
- Montazer Al-Ghaem A, Habibi Sh. [*Nezam Vaghf dar Bimarestan Islami az Aghaz ta Ousmani*]. *Journal of History of Islam*. 2012; **52**: 183-213. [in Persian]
- Moustoufi Ghazvini H. [*Tarikh Gozideh*]. Researched by Navaei A. Tehran: Amir kabir, 1983. [in Persian]
- Nezam Al-Molk H. [*Seiar Al-Molok*]. Researched by Dark H. Tehran: Bongah Nashr va Tarjome, 1976. [in Persian]
- Ounsor Al-Maali V. [*Ghamos name*]. Researched by Nafisi S. Tehran: Fouroghi, 1963. [in Persian]
- Razes M Z. [*Alhavi Fi Alteb*]. Researched by Taiemi H KH. Vol. 1. Beirut: Dare Ahya Altoras Alarabi, 2001. [in Arabic]
- Razes M Z. [*Man la yahzarou Altabib*]. Researched by Alzanavi M A. Ghahere: Darrekabi, 1998. [in Arabic]
- Razes M Z. [*Teb Al-Moloki*]. Researched by Zakour M Y. Beirut: Dar Almenhaj, 2008. [in Arabic]
- Sekhnini Z. [*Mothaf Al-Teb va Al-Oulom Enda Al-Arab*]. Dameshgh: Vezarat Alsaghafe, 1997. [in Arabic]
- Sezgin F. [*Tarikh Negareshhay Arabi*]. Tehran: Vezarat Farhang va Ershad, 2000. [in Persian]
- Sharden J. *Isfahan*. Translated by Arizi H. Tehran: Agah, 1983. [in Persian]
- Tabari M J. [*Tarikh Al-Rousol va Al-Mouluk*]. Researched by Aboulfazl Abraham M. Vol. 8. Beirut: Al-toras Al-arabi, 1967. [in Arabic]
- Vasaf A. [*Tahrir Tarikh Vasaf*]. Researched by Ayati A A. Tehran: Motaleat Farhangi, 1993. [in Persian]
- Yaghobi A. [*Al-Tarikh*]. Vol. 2. Beirut: Daresader, 1960. [in Arabic]
- Yazdi A. [*Tarikh Yazd*]. Researched by Afshar I. Tehran: Amir Kabir, 1964. [in Persian]
- Yousefpour M. [*Barresi Tahlili Seir Tarikhi Taarif Barresi Tahlili Seir Tarikhi va Tabeghebandi dar Teb Irani*]. *Majaleh Teb Sonati va Iran*. 2016;**7**(1): 9-13. [in Persian]
- Zarinkoub A. [*Karnameh Islam*]. Tehran: Amir Kabir, 2005. [in Persian]
- Zeidan J. [*Tarikh Tamadon Islam*]. Translated by Javaherkalam A. Tehran: Amirkabir, 1990. [in Persian]

